

## بررسی جایگاه بی‌نشان قید حالت در زبان فارسی<sup>۱</sup>

مهرزاد منصوری<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز

### چکیده

پژوهش حاضر جایگاه بی‌نشان قید در زبان فارسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به این منظور پرسش‌نامه‌ای مرکب از بیست جمله نامرتب در اختیار سی نفر از گویشوران قرار گرفته است. هر یک از جملات دارای یک قید حالت است که به طور تصادفی نامرتب شده است. نتایج این تحقیق که از ۶۰۰ جمله به دست آمده است، نشان می‌دهد که قیود انتخاب‌شده عمدتاً به صورت معناداری در یکی از جایگاه‌ها به کار رفته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که جایگاه بی‌نشان قید به ویژگی‌های نحوی معنایی بافت زبانی و نوع قید وابسته است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که اگرچه به نظر می‌رسد برداشت و سلیقه شخصی گویشور در تعیین جایگاه قید دخیل باشد اما تحلیل آماری خلاف این را ثابت می‌کند. این پژوهش علاوه بر معرفی جایگاه بی‌نشان هر یک از قیود مورد بررسی، نسبت نشاننداری در خصوص هر یک از قیود را نشان می‌دهد. همچنین تحلیل پوسته‌ای مشروط به اینکه قید را به صورت افزوده و ضمیمه نشان دهد، می‌تواند تحلیل مناسبی از جایگاه قید به شمار آید.

کلیدواژه‌ها: قید، افزوده، برنامه کمینه‌گرا، زبان فارسی، گروه پوسته‌ای.

## ۱- مقدمه

یکی از مباحث بحث‌برانگیز در خصوص مقوله‌های نحوی، "قید" است. اگرچه این بحث در اولین دستوره‌های سنتی تا پژوهش‌های زبان‌شناسان امروز مورد توجه قرار گرفته است، اما اتفاق نظری چه در خصوص تعریف این مقوله و چه در خصوص تقسیم‌بندی آن وجود ندارد. معمولاً تعریف‌هایی که در این خصوص ارائه شده، آنقدر گسترده است که طیف وسیعی از واژگان زبان را در بر می‌گیرد. قریب و دیگران (۱۳۷۰: ۱۸۹) قید را کلمه‌ای تعریف می‌کنند که مفهوم فعل، صفت یا کلمه دیگر را به چیزی از قبیل زمان، مکان، حالت و چگونگی مقید می‌سازد. این تعریف کم و بیش مورد قبول دیگر دستوریان و زبان‌شناسان قرار گرفته و آنها نیز سعی کرده‌اند تقسیمات آن را معمولاً دقیق‌تر تعریف کنند.

برخلاف تعریف قید، موضوع جایگاه قید بسیار بحث‌برانگیز است. بحث جایگاه قید از مواردی است که اتفاق نظری در خصوص آن وجود ندارد. به طوری که آستین<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۰۴) خاطر نشان می‌سازند، برخی زبان‌شناسان چون ارنست<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) و پیتنر<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) بر این باورند که عبارت‌های قیدی به صورت افزوده ظاهر می‌شوند. برخی دیگر چون اجر<sup>۶</sup> و دیگران (۱۹۹۹) و لانزلینگر<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) معتقدند که عبارت قیدی در مشخص جای می‌گیرد و برخی نیز ادعا کرده‌اند که قید یا عبارت قیدی به صورت هسته ظاهر می‌شود. تنوع در جایگاه قید و عدم وابستگی مشخص قید به هیچ‌یک از جایگاه‌های تعریف شده سبب شده است شائر<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) آن را فاقد جایگاه مشخصی بداند و عبارت "یتیم نحوی"<sup>۹</sup> را برای آن به کار ببرد. هایدر<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰) نیز استدلال می‌کند که اگر عبارت‌های قیدی در مشخص گروه‌های نقشی فرض شوند، برخی از تعمیم‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌سازند. وی معتقد است که عبارت‌های قیدی غیرانتخابی بسته به ارتباط آنها با هسته گروهی که در آن واقع می‌شوند، یا به صورت افزوده اضافه می‌گردند و یا به صورت ضمیمه.

3. J. R. Austin

4. T. Ernst

5. K. Pittner

6. D. Adger

7. C. Laenzlinger

8. B. Shaer

9. syntactic orphan

10. H. Haider

قید از زوایای متفاوت و با عناوین متفاوتی نظیر گروه قیدی، ادات و افزوده و در قالب رویکردهای متفاوت صورت‌گرا، نقش‌گرا (هلیدی<sup>۱۱</sup> و متیسن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴)، صورت‌گرای تعاملی (ارنست، ۲۰۰۲؛ جعفری، ۱۳۸۸ الف و ب) مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه در این پژوهش‌ها مدنظر قرار گرفته، تعریفی برای جایگاه قید و دسته‌بندی انواع آن بر اساس ویژگی‌های نحوی و معنایی است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ دادن به این پرسش‌ها است که در محدودهٔ آزمون‌ی که صورت گرفته است، قیده‌های مورد بررسی به صورت بی‌نشان در چه جایگاه‌هایی قرار می‌گیرند و آیا جایگاه قید به عواملی چون "نوع قید، ملاحظات نحوی، معنایی، سبکی و کاربردشناختی" ساختی که در آن قرار می‌گیرد، وابسته است؟ علاوه بر این، آیا برداشت گویشور از موقعیت می‌تواند در این خصوص مؤثر باشد؟ به عنوان آخرین پرسش این پژوهش می‌توان به این سؤال اشاره کرد که آیا در قالب طرح پوسته‌ای می‌توان توجیهی قابل دفاع از جایگاه قید ارائه داد؟ در پژوهش حاضر به منظور فراهم آوردن پاسخ مناسب به پرسش‌های مورد نظر، آزمون‌ی بر اساس ۲۰ جملهٔ درهم‌ریخته تدوین شده است. این جملات که یکی از پاره‌های درهم‌ریخته در آنها "قید" است، در اختیار ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی که زبان مادری آنها فارسی است، قرار گرفته تا جملات مذکور را به دلخواه مرتب نمایند. در این پرسش‌نامه سعی شده است قیده‌ها به گونه‌ای توزیع شوند که ذهن گویشور را به قرار دادن آنها در جایگاه‌های مشخصی هدایت نکند.

## ۲- ملاحظات نظری

در خصوص جایگاه افزوده که قید (حالت) یکی از آنها است، سه رویکرد اساسی مطرح است. یکی رویکرد صورت‌گرایی که عمدتاً به کارهای چامسکی<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۵) و ردفورد<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۷ و ۲۰۰۴) و هگمن<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۶) مربوط می‌شود؛ یکی رویکرد نقش‌گرایی که به هلیدی

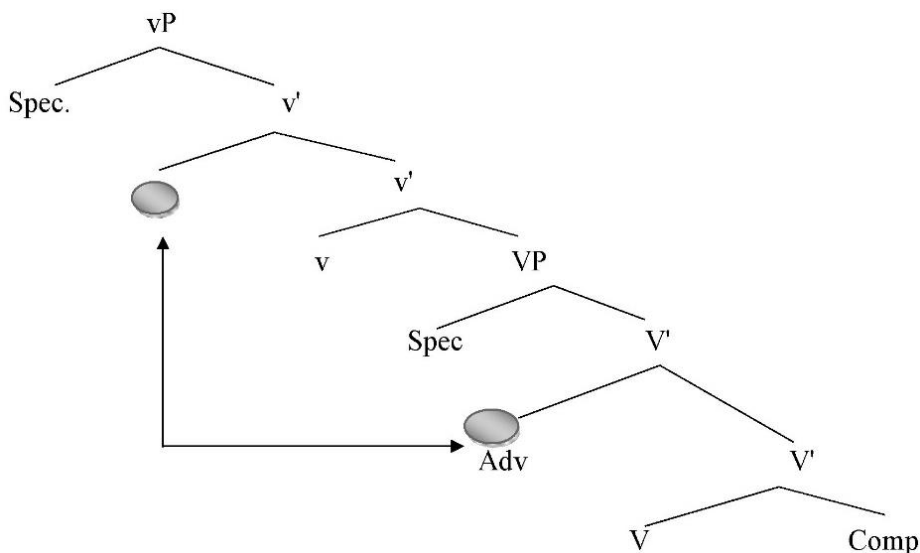
- 
11. M. A. K. Halliday
  12. C. Matthiessen
  13. N. Chomsky
  14. A. Radford
  15. L. Haegeman

و متیسن (۲۰۰۴) مربوط است و دیگری رویکردی که همزمان نقش و صورت را با هم مدنظر قرار می‌دهد.

در رویکرد نقش‌گرا ساختار بند به طور بی‌نشان به گونه‌ای است که فاعل آغازگر است. حال اگر افزوده در یک چنین جایگاهی قرار گیرد، موجب نشاندار شدن می‌گردد. در نقش‌گرایی عملاً جایگاه افزوده و قید با توجه به تأثیری که بر دریافت معنا می‌گذارد، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در این رویکرد، افزوده عنصری است که در نقش فاعل ظاهر نمی‌شود.

رویکرد دیگری که در خصوص افزوده‌ها مطرح است، معتقد است بدون در نظر گرفتن معنا و هم‌کنشی بین صورت و نقش نمی‌توان تحلیل جامعی از افزوده‌ها به دست داد. این دیدگاه را عمدتاً در ارنست (۲۰۰۲) می‌توان مشاهده کرد. وی معتقد است محدودیت نحوی در افزوده شدن سازه‌ای نه در سطح مقوله و نه در سطح گروه وجود ندارد و افزودگی به موضوع‌ها به دو صورت فرافکن میانه  $X'$  و بیشینه  $XP$  امکان‌پذیر است. بر اساس این رویکرد، تنوع جایگاهی در افزوده‌ها و امکان وقوع آنها در جایگاه‌های مختلف به دلیل ویژگی‌های معنایی و انعطاف‌پذیری ساختی است.

رویکرد سوم رویکرد صورت‌گرایی است. بر اساس رویکرد صورت‌گرایی افزوده به صورت گروه بیشینه قرار می‌گیرد به گونه‌ای که خواهر آن گروه بیشینه باشد، مانند آنچه هگمن (۲۰۰۶) در قالب برنامه کمینه‌گرا مطرح کرده است. در تحلیل‌های صورت‌گرا، افزوده عمدتاً به صورت فرافکن میانی ( $X'$ ) تحلیل شده است؛ به این صورت که خواهر و مادر افزوده فرافکن میانی است. ردفور (۱۹۹۷ و ۲۰۰۴) افزوده را در قالب گروه پوسته‌ای تحلیل کرده است؛ به این صورت که قید به صورت افزوده (به فرافکن میانی) به یکی از دو جایگاه افزوده در فعل سبک ( $v'$ ) و افزوده به فعل سنگین یا واژگانی ( $V'$ ) افزوده می‌شود. این وضعیت را می‌توان به صورت نمودار شماره (۱) نشان داد:



نمودار شماره (۱). جایگاه قید به صورت افزوده در قالب طرح پوسته‌ای

تحلیل فوق نسبت به ترسیم نمودار درختی معمول ارجح است چرا که در آن امکان بیشتری برای جایگاه قید به صورت افزوده در نظر گرفته شده است. همچنین بر اساس این مدل می‌توان تحلیل واقع‌بینانه‌تری از تفاوت برخی قیود را نشان داد که به لحاظ نحوی به نقش معنایی کنش‌گر یا کنش‌پذیر مربوط می‌شوند.

### ۳- پیشینه تحقیق

سمیعی و دیگران (۱۳۸۷: ۱۴۴) اگرچه مستقیماً به جایگاه قید اشاره نکرده‌اند، برخی واژه‌ها نظیر "امروز" را به دلیل داشتن معنای مستقل، بی‌نیاز از نقش‌نما یا جایگاه ویژه دانسته‌اند. گلفام (۱۳۸۶) بین نقش‌های دستوری و آنچه در دستور سنتی قید می‌گویند، تمایز قائل شده و عناصری را که نقشی جز نقش‌های دستوری چهارگانه نهاد، گزاره، مفعول مستقیم و غیرمستقیم به عهده دارند، افزوده نامیده است. وی تفاوت افزوده و نقش‌های دستوری را در این می‌داند که اگرچه حذف افزوده‌ها بار اطلاعاتی جمله را کم می‌کند، اما آن را غیردستوری نمی‌سازد.

گلفام (همان: ۳۸) معتقد است که در خصوص قید نمی‌توان از هیچ ملاک ساختاری/توزیعی خاصی استفاده کرد. وی همچنین گفته است که مقوله قید به لحاظ جایگاهی در

سطح جمله محدودیتی ندارد و در قالب‌های صرفی متعددی متبلور می‌شود. وی قیود را به طور کلی به سه دسته حالت، مقدار و جمله تقسیم کرده است.

زندى مقدم (۱۳۷۷) در پژوهش خود قید را از دو مقوله متمم و قیدواره متمایز ساخته است. وی (۱۳۸۸) تلاش کرده است بر اساس ملاک صوری به دسته‌بندی آنها بپردازد. زندى مقدم به لحاظ صوری قید را به صورت گروه چهارگانه گروه اسمی، گروه قیدی، گروه حرف اضافه‌ای و بندهای قیدی دسته‌بندی کرده است. وی همچنین قید را به لحاظ معنایی به قیده‌های مکان، زمان، حالت، وسیله، عاملی، سبب، منظور و ... تقسیم نموده است. مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴: ۱۹۱) قیده‌ها (ادات) را به صورت افزوده و به تعبیر خود گروه درونی [X'] در نظر گرفته است. وی به تبعیت از هگمن (۱۹۹۴) مادر و خواهر ادات را گروه درونی و جایگاه گروه قیدی را در جمله به صورت ادات در گروه فعلی می‌داند، اما ادعا کرده است در مواردی مانند (۱. ب) گروه متمم‌نما در آغاز جمله قرار می‌گیرد.

(۱). الف. بیشتر مردم خوشبختانه خوب کار می‌کنند.

ب. خوشبختانه بیشتر مردم خوب کار می‌کنند.

مرزبان راد (۱۳۷۴: ۱۳۴) ادعا کرده است که قیود غالباً پیش از فعل قرار می‌گیرند. البته خاطر نشان کرده است که برخی قیده‌ها جایشان را تغییر می‌دهند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۲) بر اساس الگوی مٹیوز<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۱) قید را بر اساس جایگاه و با توجه به مقید ساختن فعل و جمله به دو دسته کلی قید فعل و قید جمله تقسیم می‌کند. وی به منظور تبیین نظر خود از ملاک‌های معنایی و نحوی استفاده می‌کند؛ به عنوان مثال قید "خوشبختانه" (قید جمله) می‌تواند در اکثر جملات با فعل‌های متفاوت به کار رود اما "آهسته" و "کلمه به کلمه" چنین وضعیتی ندارند. یا اینکه در خصوص ملاک نحوی ذکر می‌کند که قید فعل را می‌توان با مصدر ترکیب کرد (آهسته رفتن، کلمه به کلمه خواندن) اما در مورد قید فعل خیر.

رحیمیان (۱۳۸۱) ظاهراً تنها فردی است که جایگاهی را به صورت بی‌نشان برای ادات در نظر گرفته است. وی معتقد است ادات، از جمله قیدها، جایگاه‌های اصلی و بی‌نشانی در جمله دارند که بنا به ملاحظات حرکت داده می‌شوند. به بیان وی هرچه به چگونگی مربوط شود، به فعل نزدیک‌تر خواهد بود. رحیمیان (۱۳۸۹) همچنین معتقد است قیود را نمی‌توان صرفاً بر اساس ملاک‌های صوری دسته‌بندی کرد.

جامع‌ترین پژوهشی که در خصوص افزوده به طور کلی صورت گرفته است، پایان‌نامه دکتری و مقاله جعفری (۱۳۸۸ الف و ب) است. وی به تحلیل افزوده در زبان فارسی در قالب صورت‌گرای تعاملی ارنست (۲۰۰۲) اقدام کرده است. وی با تحلیل داده‌های فارسی به این برداشت رسیده است که تحلیل معنایی محض که نقش‌گرایی به آن معتقد است - افزوده‌ها بدون هیچ محدودیت نحوی در هر جایی که تعبیر شوند، قرار می‌گیرند - فاقد کفایت تجربی است. وی همچنین تحلیل صورت‌گرایی محض را که نمی‌تواند چگونگی عملکرد افزوده را نشان دهد، غیرقابل قبول می‌انگارد. او معتقد است که با در نظر گرفتن تعامل معناشناسی و نحو نظیر آنچه در صورت‌گرایی تعاملی مطرح است، می‌توان توجیهی قابل دفاع در خصوص افزوده‌ها ارائه داد.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های گردآوری شده که در جدول شماره (۱) ارائه شده، نشان می‌دهد که توزیع قیدها در جایگاه‌های مختلف از الگوی یکنواختی برخوردار نیست. این جدول نشان می‌دهد که دو جایگاه "بعد از فاعل" و "بعد از مفعول" که بیش از ۷۶٪ از موارد امکان وقوع قید را به خود اختصاص داده‌اند، جایگاه‌های اصلی و بی‌نشان قید هستند که از این دو، جایگاه "بعد از فاعل" که در قالب طرح پوسته‌ای به صورت افزوده به فعل سبک ظاهر می‌شود، سهم بیشتری دارد. این وضعیت را می‌توان به صورت نمایش نمودار درختی شماره (۱) که در بخش قبل به آن اشاره شد، نشان داد.

جدول شماره (۱) نشان می‌دهد این ادعا که جایگاه بی‌نشان قید، با توجه به نوع قید، قبل از فاعل، بعد از فاعل یا بعد از مفعول می‌باشد، قابل دفاع است. یکی از این قیدها "با عجله" است که از ۳۰ امکان وقوع، ۲۶ مورد آن بعد از فاعل و در قالب طرح پوسته‌ای به صورت

افزوده به فعل تیره سبک است. قید "به سرعت" با فراوانی ۲۵، قید "هرگز" و "قاطعانه" با فراوانی ۲۰ از ۳۰ امکان وقوع در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. قیدهای "به دقت" و "مخفیانه" با فراوانی ۱۷ در رده‌های بعدی جای می‌گیرند. در خصوص برخی قیدهای این جدول از جمله "با حوصله" نیز فاصله چندانی بین جایگاه اول و دوم آن دیده نمی‌شود. برخی قیدها از جمله "به سختی" در هر دو جایگاه از بسامد یکسانی برخوردار است، یا مانند "یواشکی" دارای اختلاف بسامد ناچیزی بین دو جایگاه است. قید "خوشبختانه" وضعیت متفاوتی را نشان می‌دهد؛ این قید دارای فراوانی تقریباً یکسانی در هر سه جایگاه است.

در خصوص جایگاه "بعد از متمم" و همچنین "بعد از مفعول غیرمستقیم" در جملات با افعال دو مفعولی، به وضوح می‌توان ادعا کرد که قیدهای مورد بررسی تمایلی به ظاهر شدن در این جایگاه را از خود نشان نداده‌اند. از مجموع ۶۰۰ امکان وقوع (۳۰ انتخاب در ۲۰ جمله) تنها ۱۴ مورد یعنی اندکی بیش از ۲٪ از مجموع امکان‌های وقوع، در این جایگاه قرار گرفته‌اند. پر واضح است آنچه در اینجا ادعا می‌شود در خصوص وقوع بی‌نشان قید است و به صورت نشاندار می‌توان همه قیدها را در این جایگاه به کار برد.

تحلیل آماری سه جایگاه "قبل از فاعل"، "بعد از فاعل" و "بعد از مفعول" نشان می‌دهد که قیدهای مورد بررسی در پژوهش حاضر از توزیع یکنواختی برخوردار نبوده و دارای تفاوت معناداری هستند. بنابراین، با توجه به درجه بالای معناداری، با اطمینان می‌توان اظهار کرد که قیدها به طور نشاندار "قبل از فاعل" کمتر از "بعد از فاعل" و "بعد از مفعول" بیشتر از "بعد از مفعول" به کار می‌روند.

با دقت در جدول شماره (۱) می‌توان دریافت که قیدهای مورد بررسی به لحاظ جایگاه، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. برخی قیدها به طور مشخص به صورت بی‌نشان در یکی از این جایگاه‌ها به کار می‌روند. برخی نیز قابلیت قرار گرفتن در دو یا سه جایگاه را از خود نشان می‌دهند. بر این اساس، قیدهای مورد بررسی را می‌توان در سه دسته که در جدول‌های شماره (۲)، (۳) و (۴) ارائه شده است، نشان داد. برای نام‌گذاری هر طیف از این قیدها، قیدی که بیشترین کاربرد را دارد، به عنوان سرده‌سته قرار گرفته است.



جدول شماره (۱). توزیع قیدهای مورد بررسی در جایگاه‌های مختلف

ردیف	قید	قبل از فاعل	بعد از فاعل	بعد از مفعول	بعد از متمم	بدون پاسخ
۱	محترمانه	۰	۴	۲۱	۴	۱
۲	احتمالا	۸	۱۶	۴	۰	۲
۳	با عجله	۰	۲۶	۴	۰	۰
۴	بلافاصله	۲	۱۶	۹	۱	۲
۵	باحوصله	۰	۱۵	۱۲	۲	۱
۶	مخفیانه	۰	۱۷	۱۱	۰	۲
۷	یواشکی	۰	۱۴	۱۶	۰	۰
۸	آرام آرام	۱	۸	۱۹	۱	۱
۹	کاملا	۰	۱	۲۰	۰	۹
۱۰	بتدریج	۱	۹	۱۴	۰	۶
۱۱	به سختی	۲	۱۴	۱۴	۰	۰
۱۲	خوشبختانه	۱۰	۸	۹	۰	۳
۱۳	هرگز	۱	۲۰	۰	۲	۷
۱۴	به سرعت	۱	۲۵	۰	۰	۴
۱۵	به دقت	۰	۱۷	۱۱	۰	۲
۱۶	بدون شک	۱۷	۷	۲	۰	۴
۱۷	قاطعانه	۱	۲۰	۱	۳	۵
۱۸	متأسفانه	۱۹	۸	۳	۰	۰
۱۹	اتفاقا	۱۲	۱۱	۵	۱	۱
۲۰	تند	۰	۵	۲۵	۰	۰
	جمع	۷۵	۲۶۱	۲۰۰	۱۴	۵۰
	مجذور خی	۱۰۰/۶۳				
	عدد معناداری	/۰۰۰				

P<0.005

جدول شماره (۲) قیدهایی را نشان می‌دهد که به طور بی‌نشان در جایگاه “قبل از فاعل” قرار می‌گیرند. قید “متأسفانه” با ۶۳٪ امکان وقوع، بیشترین امکان وقوع را در این جایگاه به خود اختصاص داده است. این دسته از قیدها را به سبب سرگروهی قید “متأسفانه” اصطلاحاً گروه قیده‌های “متأسفانه” می‌نامیم. با انجام چنین پژوهش‌هایی بر مجموعه وسیع‌تری از قیدها، می‌توان این دسته از قیدها را مشخص کرد. دو قید “اتفاقاً” و “خوشبختانه” که در جدول با پیکان مشخص شده‌اند، دارای بیشترین فراوانی در این جایگاه هستند اما به دلیل حضور نسبتاً برابر در جایگاه‌های دیگر عملاً نمی‌توان آنها را از این دسته قیدها نامید. این دو قید به صورت جداگانه و در دسته‌های دیگر تقسیم‌بندی می‌شوند. سمت پیکان جایگاه دیگری را که می‌تواند رقیب جایگاه فعلی به حساب آید، نشان می‌دهد. (جهت سمت راست پیکان نشان می‌دهد که جایگاه بی‌نشان دیگر قید قبل از جایگاه فعلی و سمت چپ بعد از آن است.)

جدول شماره (۲). قیدهایی که به صورت بی‌نشان قبل از فاعل به کار می‌روند

قید	تعداد	درصد
متأسفانه	۱۹	۶۳٪
بدون شک	۱۷	۵۶٪
اتفاقاً	۱۲	۴۰٪
خوشبختانه	۱۰	۳۳٪

جدول شماره (۳) قیدهایی را نشان می‌دهد که به صورت بی‌نشان “بعد از فاعل” و در قالب گروه پوسته‌ای به صورت افزوده بر فعل سبک به کار رفته‌اند. نمونه بارز این قید “باعجله” است که ۸۶٪ از انتخاب‌ها این قید را در این جایگاه قرار داده‌اند. چنین نسبت بالایی در انتخاب جایگاه سبب می‌شود بتوان به طور قطع ادعا کرد که جایگاه بی‌نشان این قید همین جایگاه است. قید “به سرعت” با ۸۳٪ وقوع نشان می‌دهد که این قید نیز به طور بی‌نشان در این جایگاه قرار می‌گیرد. قیده‌های “هرگز”، “قاطعانه”، “مخفیانه”، “به دقت”، “احتمالاً”، “بلافاصله” و “با حوصله” اگرچه به ترتیب از فراوانی نسبی کمتری در این جایگاه برخوردارند، اما از آنجا که بیشتر در این جایگاه قرار گرفته‌اند، از جمله قیدهایی به حساب

آمده‌اند که به صورت بی‌نشان در این جایگاه به کار می‌روند. قید “به سختی”، “یواشکی” و “اتفاقاً” در دو جایگاه و قید “خوشبختانه” در سه جایگاه به صورت بی‌نشان به کار رفته‌اند.

جدول شماره (۳). قیدهایی که به صورت بی‌نشان بعد از فاعل به کار می‌روند

درصد	تعداد	قید
٪۸۶	۲۶	با عجله
٪۸۳	۲۵	به سرعت
٪۶۶	۲۰	هرگز
٪۶۶	۲۰	قاطعانه
٪۵۶	۱۷	مخفیانه
٪۵۶	۱۷	به دقت
٪۵۳	۱۶	احتمالاً
٪۵۳	۱۶	بلافاصله
٪۵۰	۱۵	باحوصله
٪۴۶	۱۴	به سختی
٪۴۶	۱۴	یواشکی
٪۳۶	۱۱	اتفاقاً
٪۲۶	۸	خوشبختانه

با دقت در جدول شماره (۳) مشخص می‌شود که اگرچه مفهوم نشان‌داری مطلق است اما مقایسه میزان بی‌نشانی قید در جدول بالا یک طیف را نشان می‌دهد. مجموعه قیدهایی بالا، صرف‌نظر از قیدهایی که در چند جایگاه به کار می‌روند، بر روی یک پیوستار قرار گرفته‌اند که قید “با عجله” در یک سوی پیوستار و قید “باحوصله” در سوی دیگر آن است. جدول شماره (۴) قیدهایی را نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر به صورت بی‌نشان بعد از مفعول به کار رفته‌اند. قید “تند” در جمله ساده‌ای که از فاعل، مفعول و فعل ساخته شده است، بیشترین فراوانی را با درصد نسبی ٪۸۳ به خود اختصاص داده است. این نسبت نشان می‌دهد که به طور قطع جایگاه بی‌نشان این قید “بعد از مفعول” است. قیدهایی “محترمانه”،

”کاملاً“ و ”آرام آرام“ نیز با درصدهای نسبی ۷۰٪ تا ۶۳٪ در جایگاه ”بعد از مفعول“ به کار می‌روند. فراوانی نسبی این قیدها نیز به اندازه‌ای است که بتوان کاربرد بی‌نشان این قیدها را در جایگاه ”بعد از مفعول“ تأیید کرد. در تحلیل پوسته‌ای که در بخش ۲ به آن اشاره شد، این قید به صورت افزوده به فعل واژگانی تحلیل می‌شود.

جدول شماره (۴). قیدهایی که به صورت بی‌نشان بعد از مفعول به کار می‌روند

درصد نسبی	تعداد	قید
۸۳٪	۲۵	تند
۷۰٪	۲۱	محترمانه
۶۶٪	۲۰	کاملاً
۶۳٪	۱۹	آرام آرام
۵۳٪	۱۶	یواشکی
۴۷٪	۱۴	به تدریج
۴۷٪	۱۴	به سختی
۳۰٪	۹	خوشبختانه

قیدهای ”یواشکی“، ”به تدریج“ و ”به سختی“ که در بخش قبل به آنها اشاره شد، به طور بی‌نشان در دو جایگاه و قید ”خوشبختانه“ در سه جایگاه به کار می‌رود. این جدول به این دلیل ارائه شده است که یکی از جایگاه‌های بی‌نشان این قیدها ”بعد از مفعول“ است. به منظور ارجاع روشن‌تر، قیدهایی که رفتاری متفاوت از خود بروز داده‌اند و به صورت بی‌نشان در دو یا سه جایگاه به کار رفته‌اند، در جدول شماره (۵) ارائه شده‌اند. از داده‌های جدول شماره (۵) چنین برمی‌آید که حداقل برای برخی قیود نمی‌توان جایگاه بی‌نشان مشخصی منظور کرد.

برخی قیود در دو جایگاه و برخی نیز در سه جایگاه سرگردان هستند. شاید از این منظر تعبیر استعاری "یتیم نحوی" که شائر<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۳) به کار برده است، خالی از لطف نباشد.

جدول شماره (۵). در چند جایگاه به کار رفته‌اند

قید	قبل از فاعل	بعد از فاعل	بعد از مفعول
خوشبختانه	*	*	*
به سختی		*	*
یواشکی		*	*
اتفاقاً	*		*

یکی از مسائلی که می‌توان در خصوص جایگاه بی‌نشان قید مطرح کرد، این است که آیا با توجه به شناور بودن جایگاه قید، می‌توان از آن به عنوان ابزاری در تعیین سبک فردی استفاده نمود. به این منظور به طور تصادفی پنج پرسش‌نامه انتخاب و نتایج حاصل از آن در جدول شماره (۶) ارائه شده است. ردیف افقی جدول، کاربرد مجموع قیود توسط هر فرد در سه جایگاه "قبل از فاعل"، "بعد از فاعل" و "بعد از مفعول" را نشان می‌دهد. ستون‌های عمودی نیز کاربرد این قیود را در هر جایگاه و توسط هر فرد نشان می‌دهد. تحلیل آماری مجذور خی در ستون‌های این جدول نشان می‌دهد که تفاوت کاربرد هر یک از قیود توسط افراد مختلف در هیچ‌کدام از سه جایگاه تعریف‌شده معنادار نیست. بر این اساس نمی‌توان امیدی داشت که بتوان با مقایسه کاربرد بی‌نشان قیود در آثار ادبی به ملاکی علمی جهت تشخیص سبک فردی دست یافت. البته این نتیجه‌گیری در این پژوهش بر اساس داده‌های محدود صورت گرفته است و شاید انجام این پژوهش در ابعاد بزرگ‌تر بتواند ملاک دقیق‌تری به دست دهد.

ردیف افقی تفاوت در کاربرد در هر یک از افراد در جایگاه‌های متفاوت را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول از ۵ آزمودنی، تنها در خصوص دو نفر این تفاوت معنادار است که با ستاره مشخص شده است.

جدول شماره (۶). مقایسه پنج نفر به صورت تصادفی به منظور نقش سبک شخصی

ردیف افراد	قبل از فاعل	بعد از فاعل	بعد از مفعول	مجذور خی	عدد معناداری
۱	۵	۱۱	۳	۵/۴۷	۰/۰۶
۲	۳	۹	۸	۳/۱	۰/۲۴
۳	۴	۶	۱۰	۲/۸	۰/۲۱
۴	۳	۴	۱۲	۷/۶	*۰/۰۲
۵	۱	۱۳	۶	۱۰/۹	**۰/۰۰۴
مجذور خی	۲/۷۵	۶/۱۸	۶/۲۵		
عدد معناداری	۰/۶	۰/۱۸	۰/۱۸		

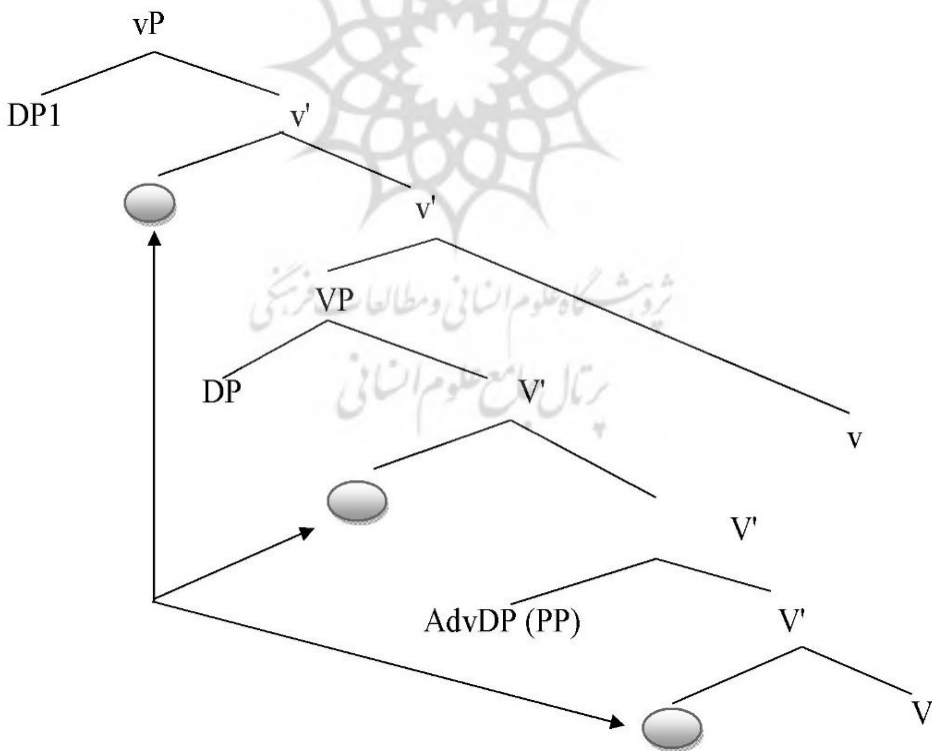
\* $p < .05$  , \* $p < .01$ 

در این قسمت پس از تحلیلی که از داده‌ها صورت گرفت، به پاسخ پرسش‌های این پژوهش می‌پردازیم. در پاسخ به پرسش اول که قیده‌های مورد بررسی در چه جایگاه‌هایی قرار می‌گیرند، می‌توان گفت که قیده‌های مورد بررسی به صورت بی‌نشان در جایگاه‌های متفاوتی چون "قبل از فاعل"، "بین فاعل و مفعول مستقیم"، "بین مفعول مستقیم و غیرمستقیم" و "بین مفعول و فعل" قرار می‌گیرند.

در خصوص پاسخ به سؤال دوم که آیا "نوع قید و ملاحظات نحوی، معنایی و ..." مربوط به ساختی که قید در آن به کار رفته، مؤثر است یا خیر، باید گفت که داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نوع قید و همچنین ملاحظات بافتی مؤثر است، چرا که قیده‌های متفاوت رفتار یکسانی از خود نشان داده‌اند. همچنین یک قید مشخص در بافت‌های متفاوت در جایگاه‌های متفاوت قرار گرفته است. برخی قیده‌ها از جمله "خوشبختانه" در سه توزیع تقریباً یکسان به کار رفته‌اند و برخی دیگر به طور معناداری در یک جایگاه قرار گرفته‌اند.

در پاسخ به سؤال سوم که در خصوص برداشت گویشور است، می‌توان پاسخ داد که داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه ظاهراً گویشوران متفاوت جایگاه‌های متفاوتی برای قید در نظر گرفته‌اند، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست.

در پاسخ به پرسش پایانی که در خصوص جایگاه قید به صورت افزوده در قالب طرح پوسته فعلی است، باید خاطر نشان کرد از این جهت که طرح پوسته فعلی امکانات بیشتری در خصوص جایگاه قید در اختیار تحلیل‌گر قرار می‌دهد، می‌تواند مؤثرتر از نمودار ساخت گروهی به صورت معمول باشد. اما با این وجود، در صورتی که صرفاً جایگاه قید به صورت افزوده، آن هم به صورتی که خواهر و مادر آن به صورت تیره تلفظ شود، در خصوص قیدهایی که بعد از متمم یا مفعول غیرمستقیم قرار می‌گیرند، قابل دفاع نخواهد بود مگر اینکه جایگاه قید را به صورت افزوده به گره هسته علاوه بر گره میانی تعریف کنیم، که در این صورت قیدی که بین مفعول مستقیم و فعل قرار می‌گیرد، به صورت افزوده به گره میانی خواهد بود. جایگاه قید در سه حالت “بعد از فاعل”، “بعد از مفعول مستقیم” و “بعد از مفعول غیرمستقیم” را می‌توان به صورت نمودار شماره (۲) در قالب گروه پوسته‌ای به صورت افزوده و ضمیمه نشان داد:



نمودار شماره (۲). جایگاه قید به صورت افزوده و ضمیمه در قالب طرح پوسته‌ای

## ۵- نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که با بررسی کاربرد بی‌نشان قیود از طریق آزمون مرتب کردن جملات درهم‌ریخته، می‌توان اتفاق نظر گویشوران زبان را در کاربرد قیود در جایگاه‌های مختلف نشان داد. این تحقیق نشان می‌دهد که قیدها به طور بی‌نشان می‌توانند در جایگاه‌های متفاوتی قرار گیرند که این جایگاه با توجه به نوع قید و ویژگی‌های نحوی، معنایی، سبکی و کاربردشناختی بافتی که در آن به کار می‌رود، متفاوت است. اما این تحقیق در مجموع نشان می‌دهد که از سه جایگاه "قبل از فاعل"، "بعد از فاعل" و "بعد از مفعول"، به طور مشخص تمایل به کاربرد قیود "بعد از فاعل" بیشتر و پس از آن "بعد از مفعول" است و جایگاه "قبل از فاعل" در رده سوم قرار می‌گیرد.

با توجه به بحثی که در بخش ۲ ارائه شد، این پژوهش نشان می‌دهد تحلیل‌هایی که بتوانند اولاً نمودارهای ساخت گروهی را گسترده‌تر سازند و ثانیاً علاوه بر افزوده، قید را به صورت ضمیمه نیز لحاظ کنند، توجیه قابل قبول‌تری به دست خواهند داد. ظاهراً این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل صورت‌گرایی که امکان قرار گرفتن قید در جایگاه‌های متفاوت را توجیه می‌کند، با داده‌های این پژوهش سازگار است اما قرار گرفتن قیود مختلف در جایگاه‌های متفاوت که نشان‌دهنده بار معنایی متفاوت است، با دیدگاه نقش‌گرایی که معنا را مبنای تحلیل خود قرار می‌دهد نیز قابل دفاع است. در مجموع به نظر می‌رسد رویکردی که تعامل نقش و معنا را با هم مؤثر می‌داند، بهتر بتواند چنین تنوعی را توجیه کند.

## منابع

- جعفری، آریتا (۱۳۸۸ الف). توصیف و تحلیل افزوده در زبان فارسی: رویکرد نحوی کلامی. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۳۸۸ ب). بررسی افزوده در زبان فارسی: بر اساس رویکردهای نقشی و صوری. دستور، سال ۵، ۱۲۸-۱۵۵.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۲). قید جمله و قید فعل در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی، سال ۱۸، شماره ۱، ۹۵-۱۰۰.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی. صورت، نقش و معنا. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.



- (۱۳۸۹). *ساخت زبان فارسی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- زندى مقدم، زهرا (۱۳۷۷). قید، متمم، قیدواره. *نامه فرهنگستان*، سال ۴، شماره ۲: ۱۶۰-۱۴۲.
- (۱۳۸۸). *بررسی صوری معنایی قید در زبان فارسی*. دستور، سال ۵، شماره ۱: ۱۰۴-۱۲۷.
- سمیعی، احمد، کورش صفوی و شهین نعمت‌زاده (۱۳۸۷). *مبانی زبان‌شناسی*. تهران: مدرسه.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- گلفام، ارسلان (۱۳۸۶). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
- مرزبان راد، علی (۱۳۷۴). *دستور سودمند*. تهران: نشر قومس.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*. تهران: سمت.
- Adger, D., B. Plunkett, G. Tsoulas and S. Pintzuk (1999). *Specifiers in Generative Grammar*. In: D. Adger, S. Pintzuk, B. plunkett and G. Tsoulas (Eds.), *MinmerApphaes*, (pp. 1-18). Oxford: Oxford University Press.
- Austin, J. R., S. Engelberg and G. Raub (2004). *Current Issues in Syntactic and Semantics of Adverbials*. In: J. R. Austin, S. Engelberg & G. Raub (Eds.), *Adverbials: The Interplay between Meaning, Context, Syntactic Structure*, (pp. 1-44). Amsterdam. Philadelphia: Benjamins.
- Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Ernst, T. (2002). *The Syntax of Adjuncts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory* (2<sup>nd</sup> edition). Blackwell.
- (2006). *Thinking Syntactically: A Guide to Argumentation and Analysis*. UK: Blackwell.
- Haider, H. (2000). *Adverb Placement-Convergence of Structure and Licensing*. *Theoretical Linguistics*, 26, 95-134.
- Halliday, M. A. K. & C. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Laenzlingre, C. (1998). *Comparative Study in Word Order, Adverbs, Pronouns, and Clause Structure in Romance and Germanic*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamin.
- Matthews, P. H. (1981). *Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pittner, K. (2000). *Position and Interpretation of Adjuncts: Process, Event and Wieder* (again). In: C. Fabricius-Hansen, E. Lang & C. Maienborn (Eds.), *Approaching the Grammar of Adjuncts : ZAS Papers in Linguistics*, (pp. 203-216).
- Radford, A. (1997). *Syntax: A Minimalist Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (2004). *Minimalist Syntax: Exploring the Structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.

Shaer, B. (2003). Manner Adverbs and the Association Theory: Some Problems and Solutions. In: E. Lang, C. Maienborn & C. Fabricius-Hansen (Eds.), *Modifying Adjuncts*, (pp. 211-259). Berlin and New York: Mouton, de Gruyter.

### ضمیمه: پرسش‌نامه پژوهش

جملات درهر ریخته زیر را مرتب کنید.

- ۱- در میان گذاشت ° علی - با پدرش - درخواستش را - محترمانه
- ۲- سجاد ° به شام - دعوت کرده است - دوستانش را - احتمالاً
- ۳- نامه‌ای را ° به دوستش ° نوشت - او ° با عجله
- ۴- سیامک ° به احمد - هدیه‌اش را ° پس فرستاد - بلافاصله
- ۵- پدر بزرگ - برای کودکان - تعریف کرد - با حوصله - خاطرات شیرنش را
- ۶- به عباس ° داد - کتاب را ° احمد - مخفیانه
- ۷- به دام ° انداخت ° علی ° پرنده را ° یواشکی
- ۸- سنگ را ° علی ° غلتاند - به پایین تپه ° آرام آرام
- ۹- پاکسازی کرد - مین‌های به‌جامانده از جنگ ° ارتش - زمین‌های کشاورزی را  
- کاملاً
- ۱۰- ماشین‌های ° پیش‌فروش‌شده را - همه ° تحویل داد - ایران خودرو ° به مردم  
- به تدریج
- ۱۱- شکست داد - حریف را - فجر سپاسی ° به سختی
- ۱۲- برق شیراز - شکست داد - حریف را ° خوشبختانه
- ۱۳- حریف ° شکست داد - ذوب آهن ° دیروز ° مردانه
- ۱۴- بازگشت - به خانه ° علی ° به سرعت
- ۱۵- به دقت ° هل دادند ° ماشین را - آنها ° به پایین خیابان
- ۱۶- مستضعفین - پیروز ° خواهند شد - بر مستکبرین ° بدون شک

۱۷- مردم ایران ° محکوم کردند - حملۀ بی‌رحمانه ° اسرائیل ° قاطعانه - به  
کودکان فلسطینی

۱۸- دانشجویان - پاسخ نداده بودند - متأسفانه ° به هیچ سؤالی

۱۹- تمرین را ° اتفاقاً - حل کردند - آنها

۲۰- اسبها را ° می‌داواند - تند - آنها





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی